

حلبی آبادهای امروز ادامه حلبی آبادهای دوره دروازه تمدن پهلوی!



کودتای ننگین 28 مرداد 32 که در 65 سال قبل با دخالت سازمانهای جاسوسی آمریکوانگلیس صورت گرفت یکی از فجایع شوم و دردناک تاریخ میهن ما ایران است. اجانب به رهبری امپریالیسم آمریکا حکومت قانونی و ملی مردم ایران، دکتر محمد مصدق را سرنگون کرد و نوکر بی اختیاری بنام محمد رضا شاه را بر مسند قدرت نشانید تا بعنوان ژاندارم منطقه و مجری اوامر استعمار عمل کند. چنین فاجعه ای حاصلی جز خفه کردن نخستین جوانه های دموکراسی و تکامل اجتماعی میهن ما نداشته است و این داغ ننگی بر پیشانی روشنفکران خودفروخته و بقایای رژیم سرسپرده پهلوی است که همچنان از این لاشه متعفن دفاع میکنند و در فکر احیای آن در ایران هستند. تجربه 28 مرداد نشان میدهد که نباید به خاندان ننگین سلطنت پهلوی اعتماد کرد. تجربه 28 مرداد نشان میدهد که آمریکا و انگلیس ماهیتا سرمایه داری امپریالیستی بوده و اختلافاتشان بر سر غارت غنایم نباید منجر به خطا در تحلیل از ماهیت امپریالیستی آنها گردد. تجربه 28 مرداد می آموزد که امپریالیستها از هر قماش دشمنان مردم ایران و جهان هستند. امپریالیسم خوب و بد ندارد.

شکست انقلاب بهمن ۵۷ را نباید با اهداف انقلاب که در بستر مبارزه علیه فقر و سرکوب سیاسی و بحران اقتصادی شکل گرفت و با فریاد آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی آغاز شد یکی دانست. بر اساس آمار بانک جهانی، 46 درصد مردم ایران در سال 1356 زیر خط فقر بودند و نرخ بیسوادی ۶۷ درصد بود..... عوامل اقتصادی و سیاسی و سرسپردگی رژیم پهلوی به آمریکا عوامل مؤثر شکل گیری انقلاب بود. فراز و فرود انقلاب را باید در یک بعد تاریخی مورد بحث و گفتگو قرار داد و طبیعی است در یک بحث علمی و تاریخی و طبقاتی جای هیچ ندامت و پشیمانی و بازگشت از یک استبداد به استبداد دیگر نمیتواند مطرح باشد. جامعه ایران بیش از ۱۰۰ سال است که قدم در راه جمهوری گذاشته و مبارزه مردم ایران بامقولات آزادی و عدالت اجتماعی و استقلال درهم آمیخته است. باید این مسیر را طی کرد و با مردم همراه بود.

آنها که جنایات و گسترش فقر و فلاکت و اوضاع نابسامان کنونی را محصول انقلاب مردم می دانند و خامنه ای را رهبر "انقلابی!" و به سرزنش انقلاب دست می زنند و آرزوی احیای استبداد سلطنت پهلوی در سر دارند و سرسپردگی به امپریالیسم و صهیونیسم را راه حل خروج از بحران سیاسی اقتصادی تحلیل میکنند و به خورد مردم میدهند، مشتکی ضد انقلاب ریاکار و نوکران اجانب هستند که اینروزها در عرصه مجازی و رسانه های رنگارنگ سیا

ساخته جولان میدهند. این مزدوران را اِشَاء کنیم و از مبارزه مردم ایران علیه ارتجاع داخلی و برای استقرار جمهوری مردمی، آزادی و عدالت اجتماعی حمایت نماییم. آنها که سکوت میکنند و سیاست "بیطرفی" اتخاذ کرده اند، غافل از این هستند که بی طرفی خود سیاستی است و چه بدانند یا ندانند، چه بخواهند یا نخواهند جانب ارتجاع و امپریالیسم را گرفته و به مردم و میهنشان پشت کرده اند. حلی آبادها و حاشیه نشینی کنونی در ایران ادامه حاشیه حلی آبادها و حاشیه نشینی دوره طلایی "دروازه تمدن رژیم پهلوی" است و جز این نیست. حال بطور مختصر به برخی نکات از سیاست "دروازه تمدن شاه" تالیف: هوشنگ آریانپور - بازنشسته نیروی دریایی ایران می پردازیم تا واقعیت آن "دوره طلایی" را روشن کنیم.

ایران پهلوی در رده چه کشورهایی بود؟

فرانس فیتزجرالد، نویسنده سرشناس آمریکایی، مشاهداتش در ایران را در سال ۱۳۵۳ در مقاله ای به نام "به شاه هرچه میخواهد بدهید" (giving the shah everything he wants)، که در یکی از مجلات امریکا چاپ شد، آورده است:

«وضعیت ایران به طور کلی به مراتب بدتر از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد. به این دلیل که شاه برای توسعه کشور هرگز تلاش جدی نکرده است. ثروت کشور بیشتر به سوی خودرو های شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی، و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و نه آموزگاران، سرازیر شده است.»

ایران در دوره پهلوی به لحاظ نسبت پزشک - بیمار در میان کشورهای خاورمیانه چه رتبه ای داشته است؟

جان فوران استاد دانشگاه کالیفرنیا امریکا در صفحه ۴۹۲ کتاب مقاومت شکننده از وضعیت تغذیه و بهداشت در جامعه ایران در زمان پهلوی دوم اینگونه می نویسد:

«۶۴ درصد شهرنشینان در سال ۱۳۵۲-۱۳۵۱ ش دچار سوء تغذیه بودند (که ۲۵ درصد اینها وضع تغذیه شان بسیار بد بود) و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار و ارقام بهداشتی نشان می دهد که بر تعداد تخت های بیمارستان، کلینیکها، پزشک و پرستار افزوده شده اما در سال ۱۳۵۶ ایران هنوز در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک- بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایینترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را دارا بوده است.»

چند درصد از روستاهای ایران در دوره پهلوی برق داشتند؟!

جان فوران همچنین در صفحه ۴۷۷ کتاب خود به وضعیت توسعه در روستاها می پردازد آمار بی سوادى زنان روستایی را ۹۰ درصد اعلام می کند. ولی در این خصوص می نویسد:

«به رغم ایجاد مدرسه های روستایی توسط سپاه دانش، تنها ۱۵ درصد روستاییان در سال ۱۳۵۰ ش از تحصیلات ابتدایی برخوردار می شدند و در سال ۱۳۵۴ ش، ۶۰ درصد مردان و ۹۰ درصد زنان روستایی بی سواد بودند. در سالهای دهه ۱۳۵۰ ش، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.»

اصطلاح فرار مغزها اولین بار کی و برای کدام کشور وضع شد؟! چند درصد از مردم می توانسته اند دوره ابتدایی را به پایان برسانند؟

دکتر پروانده آبراهامیان استاد دانشگاه شهر نیویورک در صفحات ۲۵۳ تا ۲۵۵ کتاب ایران مدرن آمار وحشتناکی را در خصوص وضعیت پزشکان و تحصیل در زمان پهلوی دوم بیان می کند که نشان از اوضاع بسیار بد کشور داشته است:

انقلاب سفید [محمدرضا شاه پهلوی] و در پی آن رونق درآمد نفت به جای پاسخگویی به انتظارات عمومی، موجب افزایش نارضایتی های گسترده شد. درست است که اجرای برنامه های اجتماعی در بهبود وضعیت آموزشی و امکانات بهداشتی بسیار موثر بود، اما این نکته نیز صحت دارد که ایران پس از دو دهه یکی از بدترین کشورها در بخش مرگ و میر کودکان و نسبت پزشک به بیمار در خاورمیانه بود. یکی از پایینترین نرخ های آموزش عالی مربوط به این

کشور بود. افزون بر این، ۶۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی سواد بودند، ۶۰ درصد از کودکان نمی توانستند دوره دبستان را به صورت کامل طی کنند و تنها ۳۰ درصد از داوطلبان کنکور می توانستند وارد دانشگاه‌ها شوند.

در این میان شمار افراد متقاضی تحصیل در خارج از کشور رو به رشد بود. در دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ شمار پزشکان ایرانی مستقر در نیویورک بیشتر از شهرهای غیر از تهران بود. اصطلاح «فرار مغزها» نخستین بار برای ایران به کار گرفته شد.»

نظر موسسه امریکایی هادسن در مورد وضعیت کلان اقتصادی ایران در دوره پهلوی:

بنا به گزارش موسسه هادسن «Hudson Institute» یکی از مهم ترین اتاق های فکر که در تدوین و طراحی سیاست های کلان ایالات متحده که امروزه نیز همچنان نقش جدی و تأثیرگذار دارد در ۱۹۷۵م/۱۳۵۴ ش، حتی اگر ایران به نرخ رشد پیش بینی شده حاصل از سیاستهای اقتصادی حکومت پهلوی دست یابد، در سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ ش «اقتصادش از اقتصاد هندوستان بهتر نخواهد بود و اگر از مکزیک عقب نباشد حداکثر به سطح آن کشور خواهد رسید».

وضعیت صنعت ایران در دوره پهلوی در مقایسه با دیگر کشورهای جهان:

جان فوران استاد دانشگاه کالیفرنیا در کتاب مقاومت شکننده همچنین نگاهی به وضعیت صنعت کشور در پهلوی دوم می اندازد و به مقایسه صنعتی ایران با سه کشور هندوستان، سنگاپور و مکزیک می پردازد و در صفحه ۴۸۴ می نویسد:

«سهم صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد بود و به مراتب از سهم خدمات (۳۵درصد) و نفت (۳۵ درصد) در ۱۳۵۶-۱۳۵۷ ش کمتر می شد و دیگر اینکه صادرات صنعتی غیرنفتی تنها ۲ تا ۳ درصد همه صادرات ایران در سال ۱۳۵۴ ش تشکیل می داد که در مقایسه با کشورهای مثل هندوستان (بیش از ۵۰ درصد)، سنگاپور (۶۰ درصد) و مکزیک (۳۳ درصد) بسیار ناچیز می نمود» .

با همین اندک آمار میتوان به دروغهای درواز تمدن شاه و پیشرفت و "توسعه ملی" و خدمات محمد رضاشاه که جز خیانت نبوده است پی برد. می توان پی برد که دربار کانون فساد و توطئه بوده و ادعای " مظهر هویت ملی" آن وسیله تحمیق عمومی است. باید این بت سنگی را درهم شکست و از ریشه مانند خاندان تزار کند و به خاکروبه تاریخ افکند. جنایت و خیانت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نمی تواند حربه ای برای قلب حقایق و سیاستهای نواستعماری و پس مانده دوره پهلوی که زمینه ساز حکومت خمینی گردید، باشد. در مقابل این جاعلان و تحریف کنندگان تاریخ باید ایستاد. حلی آبادهای امروز ادامه حلی آبادهای دوره "دروازه تمدن پهلوی" است و جز این نیست.

نقل از توفان الکترونیکی شماره ۱۴۵ نشریه الکترونیکی حزب کار ایران مرداد ماه ۱۳۹۷

www.toufan.org